فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و ششم، بهار۱۳۹۸- صفحات ۲۴ - ۷

واکاوی جایگاه و مولفه‌های اقتصاد بخش عمومی در رشد و تعالی تمدن نوین اسلامی

امیر خادم‌علیزاده[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش:۱۳۹۷/۰۸/۲۰

چکیده

اقتصاد بخش عمومی با رویکردی اسلامی، قلمرو، وظایف و مسئولیت‌هایی متفاوت با دیگر تمدن‌ها و نظریه‌های اقتصادی آن‌ها دارد. سازگاری بخش‌عمومی، عاملی پیشبرنده در ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی در عصرکنونی است. هدف این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده، واکاوی مولفه‌های اقتصاد بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهدکه اقتصاد بخش عمومی می‌تواند از طریق ایجاد عدالت و رشد، استقلال و اقتدار اقتصادی، نهادسازی، تحکیم ارزش‌های اسلامی و تقویت سرمایه اجتماعی و دینی و وحدت تمدنی در تشکیل و بالندگی تمدن نوین اسلامی اثرگذار باشد. همچنین برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد رشد و پیشرفت و رونق اقتصادی، فراهم آوردن زیرساخت‌ها، نهادها و زمینه‌های تمدنی و تحقق راهبری مطلوب اسلام در بستر تمدنی اسلام، برخی از مهم‌ترین مولفه‌های بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی می‌باشند.

کلمات‌کلیدی: اقتصاد بخش‌عمومی، تمدن نوین اسلامی، رشد و تعالی اخلاقی، مولفه

طبقه‌بندی JEL: H0 ,H40 ,N01 , Z12

۱. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی aalizadeh@atu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مقدمه

محیط تمدنی، ظرف شکل‌گیری نهادها، هنجارها و ارزش‌هایی است که در فرآیندی تاریخی بتدریج سیر تکاملی خود را طی می‌کنند و جلوه‌ها و محصولات تمدنی را در عرصه‌های علم و فرهنگ، سیاست و حقوق و اقتصاد جامعه متمدن به نمایش می‌گذارند. اقتصاد بخش عمومی به تعامل دولت و بخش‌خصوصی، رفتار کارگزاران و مدیران عالی و ارایه کالاها و خدمات عمومی، زیرساخت‌های رشد و پیشرفت اقتصادی می‌پردازد. این مقاله درصدد واکاوی جایگاه این بخش در رشد و تعالی تمدن نوین اسلامی با رویکردی اسلامی است. اهمیت و ضرورت پرداختن به چنین نوشتاری، لزوم تبیین الگوهای تمدنی با رویکردی اسلامی برای جوامع اسلامی است.در شرایط کنونی، پرداختن به موضوع تمدن نوین اسلامی از آن جهت اهمیت دو چندن دارد که قدرت‌های غربی به عنوان بخشی از نظام تمدنی غرب، پدیده داعش را برای خنثی‌سازی بیداری اسلامی بخصوص در شمال افریقا تا بین‌النهرین بر جهان اسلام تحمیل کرده‌اند تا از طریق جنگ‌نرم و جنگ‌های منطقه‌ای، مانع از نوسازی تمدن اسلامی شوند. برخی از پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: اول: مولفه‌های بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی و رشد و تعالی آن کدامند؟دوم: اقتصاد بخش عمومی چگونه و از چه راه‌هایی در تشکیل و بالندگی تمدن نوین اسلامی نقش و مسئولیت خود را ایفا می‌کند؟پژوهش پیش‌رو در بخش‌های زیر ساماندهی می‌شود: نخست در مقدمه، اهمیت و پرسش‌های پژوهش می‌آید. در بخش دوم، ادبیات پژوهش به بیان تعریف مفاهیم پایه و پیشینه علمی مقاله می‌پردازد. مؤلفه‌های بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی و چرایی و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر تمدن نوین اسلامی به تفصیل در بخش سوم می‌آید. بخش چهارم، با خلاصه و نتایج، این پژوهش را سامان می‌دهد.

۱. ادبیات پژوهش

مفاهیم وتعاریف پایه و پیشینه علمی پژوهش در این بخش، تبیین می‌شود.

۱،۱. مفاهیم و تعاریف‌پایه

ابتدا تعریف گستره بخش‌عمومی با رویکردی اسلامی، تعریف بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی و تعریف تمدن نوین اسلامی در زیر می‌آید:

- ✓ **گستره بخش عمومی با رویکردی اسلامی از نظر این پژوهش**

در ادبیات و متون مربوط به اقتصاد بخش عمومی، معمولا از وظایف اقتصادی دولت‌ها و گاهی هم از بخش‌های عمومی غیردولتی مثل شهرداری‌ها و سایر نهادهای عمومی که غیردولتی تلقی می‌شوند، بحث می‌شود اما صرف‌نظر از تعریفی که آموزه‌های حقوقی و اقتصادی اسلام برای مالکیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

خصوصی، عمومی و دولتی(نظریه مالکیت سه‌گانه) ارایه می‌نمایند، گستره بخش عمومی برمبنای حق عموم مردم و توجه به منافع اجتماعی در جامعه اسلامی، اعم از بخش‌دولتی، بخش‌عمومی (مانند مسئولیت‌حقوقی- اقتصادی شوراهای شهر و روستا و شهرداری‌ها) و مؤسسات عمومی غیردولتی و نهادهای مربوط به نظام و حاکمیت اسلامی همچون بنیادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مانند آن می‌باشد و این ویژگی بخش عمومی در رویکردی اسلامی، مسئولیت‌های بیشتری را متوجه متولیان و کارگزاران این بخش در جهت توجه به حقوق مردم و تأمین منافع جامعه اسلامی حتی شهروندان غیرمسلمان می‌نماید.

تعریف بخش‌عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی

سازگاری نوعی چارچوب مفهومی ترکیبی است که از ویژگی‌ها یا سازگاری‌های منفرد متنوعی در اقتصاد بخش عمومی بدست می‌آید. مانند: سازگاری با مبانی هستی شناسانه تمدن نوین اسلامی، سازگاری با مبانی معرفتی تمدن نوین اسلامی، سازگاری با اهداف تمدن نوین اسلامی علاوه براین سازگاری‌های منفرد که از مؤلفه‌های شاخص ترکیبی سازگاری می‌باشند و جنبه نظری دارند، مؤلفه دیگری که جنبه عملکردی و عینیت خارجی دارد، میزان اثربخشی اقتصاد بخش‌عمومی است. یعنی میزان سازگاری آن در تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی که مهم‌تر از بهره‌وری و کارآیی است چون ممکن است این‌دو به طور نسبی وجود داشته باشند اما درصد تحقق اهداف و میزان عملکرد با اهداف فاصله زیادی داشته باشد. بدیهی است اهدافی همچون تحقق عدالت اقتصادی، رشد و رونق اقتصادی، حاکمیت قانون و نهادینه‌شدن ارزش‌ها و اخلاق اسلامی در جامعه و راستگویی و پاسخگو بودن و شفافیت بخش‌عمومی مؤلفه عملکردی بخش‌عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی می‌باشند.

تعریف تمدن

در تعریف تمدن گفته‌اند: تمدن، نظم اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. نیز اموری از قبیل پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر را از عناصر و ارکان تمدن شمرده‌اند و گفته‌اند: تمدن در شرایطی ظهور می‌کندکه هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته و به جای آن نظم و امنیت حاکم شده باشد؛ در اثر حاکمیت نظم و برقراری امنیت، انسان می‌تواند در راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی حرکت کند. افزون بر عوامل جغرافیایی از قبیل آب و مواد معدنی و محصولات غذایی و شرایط محیطی مناسب، از عوامل سیاسی چون حکومت و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

دولت و قانون و همچنین از عوامل اخلاقی و عوامل عقلی و روحی به عنوان عوامل تمدن یاد می‌شود(ویل دورانت، تاریخ تمدن ج۱ص۶). تیمورکوران می‌نویسد: یک تمدن، از یک سیستم اجتماعی با دوامی با خصیصه‌های مکمل تشکیل می‌شود. برخی از این ویژگی‌های تمدنی، عناصری از زندگی مادی و برخی دیگر برگرفته از فرهنگ می‌باشند(کوران۵۹۳:۲۰۰۹). تمدن از منظر این پژوهش، تحقق فرهنگ و ارزش‌های خاص و نهادهایی برای نظم اجتماعی و اقتصاد و تعالی اخلاقی در جغرافیای سازگار با آن‌ها می‌باشد.

تعریف تمدن نوین اسلامی

از دیر باز، تمدن و دین همزاد بوده‌اند و بین این‌دو گونه‌ای از تعامل در تاریخ تمدن و ادیان دیده می‌شود. دین اسلام در عرصه این تعامل تاریخی پرونده‌ای درخشان دارد چون "یکی از آثار و فواید دین، شکوفایی تمدن است؛ زیرا هرجا که دین حضور پیدا کرد، تمدن جلوه‌های بیشتری از خود ارائه کرده است. بعد از تعریف تمدن و بیان مشخصه‌ها و عوامل آن، باید به دین و حقیقت آن توجه شود تا تمدن نوین اسلامی باز تعریف شود. دین، مجموعه‌ای از عقاید و اخلاق و احکام و مقررات فقهی و حقوقی است که برای راهنمایی انسان، جهت تحصیل سعادت واقعی در اختیار او قرار گرفته است. در بین ادیان موجود، دین اسلام به لحاظ داشتن اصول و مبانی متقن و تاریخ مشخص و روشن، در آفرینش تمدن، نقش فوق‌العاده ایفا کرده است و کتاب‌های مختلفی که در زمینه تمدن اسلامی به نگارش درآمده است، برآن گواهی می‌دهد(جوادی آملی۴۸:۱۳۸۲)." آمارتیاسن برنده نوبل‌اقتصاد در سال ۱۹۹۸در نشست جهانی پکن سال ۲۰۰۶ در مقاله خود با عنوان "تمدن جهانی ما" دو رویکرد فراگیر و بخشی را نسبت به تمدن بشر مطرح می‌کند و سعی می‌کند با رویکرد فراگیر، از نقش تمدن‌های باستان مثل تمدن اسلام، ایران، عرب، هند، چین و... در تمدن غرب سخن بگوید. وی بطور مشخص از خوارزمی نام می‌برد که "علوم غربی" مرهون دانش اوست(آمارتیاسن۹۶:۲۰۱۰). ازیه سوریانی و دیگران، تشکیل سرمایه انسانی و هویت جامعه اسلامی در مالزی را مرهون آشنایی نسل مالایی از آموزه‌های اسلامی می‌دانند. چون این دانش، نقش مهمی در ساخت و شکل‌گیری جامعه مالایی مسلمان در مالزی داشته که با حفظ سنت محیط مالایی، به اوج موفقیت هم رسیده‌اند(سوریانی و دیگران ۵۵۷:۲۰۱۲). تمدن نوین اسلامی از نظر این نوشتار به معنای وضعیتی از پیشرفت و توسعه یافتگی جامعه انسانی که کنش‌ها و رفتار خرد و کلان آن مبتنی برارزش‌های اسلامی است که علاوه برتعالی اخلاقی فرد و اجتماع به آبادانی دنیا و مظاهر حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز گرایش نظری و عملی دارد. تمدن نوین اسلامی با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

همان ریشه‌های تمدن دیرین اسلامی اما با شرایط و مقتضیات زمان و مکان و زبـان علـوم، فنـون و مناسبات فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی جدید تمدنی بشر می‌باشد.

۲,۱. پیشینه علمی موضوع در مطالعه‌های داخلی

پس از بررسی و تتبع کافی در آثار مکتـوب مربـوط بـه موضـوع ایـن پـژوهش در داخـل و خـارج، متاسفانه اثری در این زمینه بدست نیامد که نشانه نواوری در طرح موضوع این مقالـه و نگـارش آن می‌باشد. اما صرف نظر از تاکید خاص بر "نقش اقتصاد بخش عمومی در تمدن اسلامی"، برخی اثـار به نوسازی، فلسفه و شاخص‌های تمدن اسلامی پرداخته‌اند که برای نمونه چند مورد در زیر می‌آید:

زمانی محجوب(۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان "نوسازی تمدن اسلامی" می‌نویسـد: زاد و مـرگ تمدن‌ها از جریان‌های مستمر تاریخ است. در طول تاریخ، تمدن‌های پرشـماری متولـد شـده، رشـد یافته و سرانجام به افول یا انحطاط رسیده‌اند. تمدن اسلامی نیز این مسـیر را طـی کـرده و پـس از چند قرن افول، در پی‌خیزشی دوباره است. گاه به جای "نوسازی تمـدن اسـلامی" عبـارت "احیـای تمدن اسلامی" به کار می‌رود که مفهوم دقیقی نیست. واژه "احیا" به طور طبیعی این مفهوم را بـه ذهن متبادر می‌سازد که تمدن اسلامی از میان رفته است و ما در پی تولد دوباره آنیم. این اندیشـه، برگرفته از نظریه حیات و مرگ تمدن‌هاست که برخی صاحب‌نظران به آن قایل هستند.

سعیدی روشن(۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "شاخص‌های تمـدن اسـلامی براسـاس آمـوزه‌هـای قرآن‌کریم" می‌نویسد: در نگاه قرآنی، یکی از شاخص‌های جامعه آرمانی، فرزانگـی مـردم آن در بعـد معرفت و حکمت و برخورداری از درکی عمیق و همه‌جانبه از همه حقایق هستی است. همچنان‌کـه داشتن فلسفه زندگی و ایمان به یک تکیه‌گاه اعتقادی معیاری دیگـر در سـاحت تمـدن توحیـدی و جامعه مطلوب اسلامی و تمایز بخش تمدن اسلامی از تمدن‌های غیراسلامی است. سومین شـاخص در تمدن اسلامی، بسط فضیلت‌های والای انسانی و ارزش‌های اخلاقی است و سرانجام آن‌که برتـری جامعه اسلامی در مظاهر مادی و برخورداری از اقتدار اقتصادی، صنعتی و دفاعی از دیگر معیارهـای تمدن در نگاه اسلامی ملاحظه می‌شود.

واسعی(۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "فلسفه تمدن نوین اسلامی؛ ماهیت و مبـانی" مـی‌نویسـد: تمدن نوین اسلامی برپایه چند اصل بنیادین در حال بازآفرینی خویش است:

۱.هدفمندی هستی در پرتو خدامحوری یکتاپرستی

۲.اصل برابری همگان در پیشگاه خداوند و امکان برتری اکتسابی با پایبندی به ارزش‌های متعالی

۳.اصل ساخت دنیا در راستای آخرت

۴.اصل تحقق امت اسلامی

۵.اصل جهان وطنی اسلام و نیز باور به اعتلای اسلام

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۶. اصل علم مداری و معرفت‌جویی

سلیمان‌پور و اکبری(۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نظام تمدن‌سازی اسلامی در قرآن‌کریم (با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان) تلاش نموده‌اند تا با استفاده از روش‌شناسی تحلیل‌گفتمان، اصول و ابعاد مختلف تمدن‌سازی اسلامی در قرآن‌کریم را استخراج، بازنمایی و تحلیل نمایند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نشانه‌های اصلی و دال‌های کلیدی گفتمان‌های رقیب (تمدن‌سازی اسلامی و جاهلی) درک بهتری از برخی زوایای پنهان و واقعیت‌های نهفته در لایه‌های فکری و فرهنگی " نظام تمدن‌سازی قرآنی" در قرآن‌کریم ارائه می‌نمایند.

۳,۱. پیشینه علمی موضوع در مطالعه‌های خارجی

هیشور (۱۴۱۷ق) در کتابی با عنوان "سنت‌های قران درایجاد تمدن و سقوط آن" به جهانی بودن قوانین تمدن قران محور تصریح می‌کند و می‌نویسد: سنت اجتماعی به رابطه پایدار بین پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی جوامع اشاره دارد. سنت‌های الهی، تعبیر دیگری از قوانین اجتماعی می‌باشند که برای مؤمنان و غیرمؤمنان است.

آرناسون و استاوس(۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان" تشکیل تمدن و دولت در یک‌فضای اسلامی: بازخوانی ابن‌خلدون "نتیجه می‌گیرند: روش تحلیل تاریخی ابن‌خلدون امروز برای غرب درس آموز می‌باشد. همچنین ابن‌خلدون، در تعبیر "عمران" تمام فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را مدنظر داشته است.

نورسی و دیگران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "سازندگان تمدن اسلامی" به ویزگی‌های دینی و اخلاقی کسانی پرداخته‌اند که در خلق و ساختن پایه‌های تمدن اسلامی نقش آفرینی نموده‌اند.

نصر (۲۰۰۹) در مقاله "گفتگوی تمدنی و جهان اسلام" وجوه گفتگوی تمدنی در جهان اسلام و زمینه‌ها و روش‌های مناسب آن را مورد بررسی قرار داده است.

ازیه سوریانی و دیگران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان "اهمیت یادگیری تاریخ و تمدن اسلامی مالزی در ساختن سرمایه انسانی و هویت جامعه مسلمانان در مالزی" به این نتیجه رسیده‌اند که دانش و مهارت، دو عنصر جدایی‌ناپذیر در شکل‌گیری سرمایه انسانی و هویت جامعه اسلامی در مالزی بوده‌اند که توانسته‌اند تاریخ درستی از امت اسلامی را به جامعه مسلمان مالزی یاد دهند. نوآوری این پژوهش، خوانشی نو از چرایی حضور فعال بخش‌عمومی براساس آموزه‌های قرآن بنیان با رویکردی تمدنی است که با نگاهی جدید مولفه‌های بخش‌عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی و رشد و تعالی آن را با ادبیاتی اقتصادی باز تعریف می‌نماید و امتیازات اقتصاد بخش‌عمومی همسو با چنین تمدن بزرگی را نشان می‌دهد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۲. مولفه‌های بخش‌عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی

بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاصی است که آن را از سایر تمدن‌های شرقی و غربی متمایز می‌کند حتی اگر با ویژگی‌های مشابه در آن تمدن‌ها اشتراک واژگانی داشته باشد چون ماهیت و روح تمدنی خاص خود را دارد. در این بخش پنج‌مورد از مهم‌ترین مؤلفه‌ها به سبکی نگارش می‌یابند که مبانی نظری پژوهش یعنی چرایی و چگونگی هر مؤلفه نسبت به تمدن نوین اسلامی نیز پاسخی درخور یابد و از بحث جداگانه‌ای با عنوان "مبانی نظری پژوهش" اجتناب می‌شود.

۱،۲. برقراری عدالت اجتماعی و امنیت و آرامش در بخش‌های مختلف تمدن نوین اسلامی

شهیدصدر، معتقد است، اسلام به بیان شعار عدالت اجتماعی اکتفا نکرده است بلکه ویژگی‌ها و مبانی و عناصر آن را در یک‌چارچوب اسلامی بیان نموده است. و بر دومبنای کلی تکافل عام و توازن اجتماعی استوار کرده است (صدر ۱۴۱۷:۲۸۷). اما تبیین قران از عدالت با تبیین‌های بشری آن در طول تاریخ متفاوت است و آن درون زاکردن رفتار و خوی و خصلت و منش عادلانه در بین تمام اقشار مردم می‌باشد چون به تصریح قران، هدف ارسال رسولان از سوی خداوند، هدایت بشریت نه فقط گروه خاص دینی براساس بینات یعنی دلایل آشکاری که با فطرت و عقلانیت انسانها سازگار باشد و کتاب و میزان یعنی معیارهای الهی بوده است. به دلیل تقارب و همبستگی بین عدالت و امنیت نیز این نقش برای امنیت و ارامش در گسترش تمدن اسلامی متصور است. برای ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی، عدالت و امنیت و ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه نقش اساسی دارند و"هر دو از جمله دغدغه های اساسی و مهم افراد، جوامع و اندیشه‌های بشری بوده است. امنیت زمینه را برای فعالیت‌های مهم اجتماع در وجوه مختلف فراهم می‌سازد. بدون داشتن امنیت، بروز استعدادها و خلاقیت‌ها امکان‌پذیر نیست و یا در اولویت بعدی افراد و جوامع قرار می‌گیرد. وجود امنیت زیست برای همه نوعی بستر عادلانه برای زندگی را فراهم می‌سازد. "(غرایاق زندی ۱۳۹۲:۸). عدالت موجب کاهش اختلاف، تشتت و بی‌نظمی است و مبنایی محکم برای آرامش و آسایش و انسجام ملی است که همگی پیشنیاز مهمی برای رشد اقتصادی و پیشرفت تمدنی است. استقرار امنیت و آرامش نیز پیشنیاز رشد اقتصادی و پیشرفت تمدن‌هاست و در فرهنگ قران، امنیت فردی و اجتماعی مثل نهاده‌های خداداد تولید همچون زمین و محیط زیست، یکی از نعمت‌های الهی به بشر است آن‌جا که می‌فرماید: الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف(قریش/۴) برقراری عدالت اجتماعی و امنیت و آرامش در جامعه از طریق نظام انگیزشی افراد می‌تواند موجب بروز نواوری‌ها و امید به بهره‌وری از بازدهی و نتایج مسرت بخش تلاش‌هایی باشد که در سایه ارامش و رفتار عدالت محور بدست آمده است. همچنین توزیع برابر امکانات از سوی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

بخش عمومی زمینه تولید را در بین شهروندان فراهم می‌کند و باز توزیع ثروت و درامد از طریق نظام مالیاتی عادلانه علاوه برتخصیص بهینه منابع عمومی، شکاف طبقاتی را کاهش داده و جامعه تمدنی را به آستانه توازن اسلامی مورد نظر قران نزدیک می‌کند آن‌جا که می‌فرماید: ما افا الله علی رسوله من اهل القری فلله وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین وابن‌السبیل کی لایکون دوله بین الاغنیا منکم وما اتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا واتقوا الله الله شدید العقاب (سوره حشر/۷) ترجمه: آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آن‌چه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید(و اجرا کنید)، و از آن‌چه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است. نتیجه آن‌که برقراری عدالت اجتماعی و امنیت و آرامش به مثابه مؤلفه اصلی برای تحقق و پایداری تمدن نوین اسلامی است و بقای تمدن در گرو این مبنای مهم اسلامی است و پیش‌نیاز رشد اقتصادی و پایداری سیاسی و انسجام فرهنگی و بروز خلاقیت‌های تمدن‌ساز می‌باشد.

۲،۲. ایجاد رشد و پیشرفت و رونق اقتصادی توسط بخش‌عمومی به عنوان مکمل بخش خصوصی در تمدن نوین اسلامی

رشد اقتصادی در سایه ایجاد زیرساخت‌ها و حمایت‌های بخش‌عمومی از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش‌خصوصی بدست می‌آید. مطالعه تاریخ اقتصادی صدراسلام و رابطه دولت اسلامی و بازار نشان می‌دهد که دولت در جغرافیای آن روز شبه جزیره عربستان، بیشتر به ایجاد راه‌ها، حفر نهرها و به طور کلی زیرساخت‌های اساسی و صنایع سنگین می‌پرداخت که بخش خصوصی قادر به تأمین مالی آن‌ها نبود اما تولید کالاها و خدمات خصوصی برعهده بخش‌خصوصی و بازار اسلامی بود یعنی یک رابطه مکمل بین بخش‌عمومی و خصوصی در نظریه اسلامی وجود دارد. چون ساخت و گسترس تمدن اسلامی همچون پروژه عظیمی است که نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت و سنگینی است و به کمک بخش‌عمومی و مردم امکان‌پذیر می‌باشد. از این‌جا نقش رشد اقتصادی در تمدن‌سازی اشکار می‌شود چون بنیه‌قوی اقتصادی شرط لازم برای بنیان نهادن فرهنگ و فناوری و زمینه‌ساز رشد نهادی قانونی و نظامی و اقتصادی و حتی روابط خارجی با دیگر تمدن‌هاست. رشد اقتصادی علاوه بر توانمندسازی وتقویت بنیه اقتصادی کلان جامعه تمدنی، زمینه‌ساز ارتقای سطح درامد خانوارها و در نتیجه بهبود رفاه، سلامت و بهداشت جسمی و روانی مردم است. حتی رشد اقتصادی بالاتر کمک‌کننده انجام امور خیر و عباداتی است که به نوبه خود سطح سرمایه اجتماعی و دینی جامعه تمدنی را بالاتر برده و اثر مجددی بر رشد اقتصادی دارد. لذا امام علی(ع) از مال به خیر تعبیر می‌اورد. قرآن در آیات فراوانی با سبک خاص خود به مسایل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

اقتصادی پرداخته است. تأکید برتصرف در منابع و نعمت‌های خداوند وآبادانی زمین و اشاره به عوامل تولید همچون آب و زمین و... در بالغ بر صد ایه مورد بحث واقع شده است. مانند: «هو أنشأكم من الأرض و استعمركم فيها ...» (هود/۶۱) واژه «استعمار» و «اعمار» در لغت عرب در اصل به معنی تفویض آبادی زمین به کسی است و طبیعی است که لازمه آن این است که وسائل لازم را در اختیار او بگذارد. این چیزی است که ارباب لغت مانند «راغب» در مفردات و بسیاری از مفسران در تفسیر آیه فوق گفته‌اند.(خادم علیزاده ۱۳۹۲:۲۵)

لزوم استقلال، توانمندی و اقتدار نظام و تمدن اسلامی

رشد و پیشرفت اقتصادی به عنوان یک مولفه مهم تمدن‌نوین اسلامی، جلوه‌هایی دارد که یکی از آن‌ها کسب استقلال و اقتدار اقتصادی در شرایط کنونی است. خاستگاه این راهبرد تمدنی، در توصیه‌ها و الزام آموزه‌های دین اسلام به فراهم آوردن توانمندی(قوه) با استفاده از بالاترین توانایی و امکانات دیده می‌شود که یکی از مصداق‌های آشکار آن در عصرکنونی، کسب توانایی علمی، فناوری و اقتصادی است چون این عرصه، نماد و ملاک آستانه بالاتر قدرت و توانمندی است آن‌طور که وجود اسبان جنگی و نیزه‌های نبرد در جنگ‌های صدر اسلام، معیار توانمندی و قوه جامعه اسلامی بود."در ادبیات اقتصاد اسلامی، اخیراً گاهی از اقتدار اقتصادی امت اسلامی به «استقلال اقتصادی» آن‌ها تعبیر می‌شود که می‌توان آن را شرط لازم اقتدار اقتصادی امت مسلمان دانست. گاهی نیز از آن به «خودکفایی اقتصادی» و زمانی به «خوداتکایی اقتصادی» تعبیر می‌شود گرچه در اصطلاح اقتصادی نمی‌توان از تفاوت مفهوم این تعابیر مختلف، چشم‌پوشی کرد. منظور از استقلال اقتصادی، عدم‌پذیرش سلطه دیگران در تصمیم‌گیری اقتصادی و تأمین تمام یا عمده کالاها و خدمات مورد نیاز اقتصادی است گرچه به دلائل اقتصادی همچون هزینه کمتر و مانند آن، دولت اسلامی تصمیم بگیرد به واردات برخی کالاها اقدام کند چون استقلال اقتصادی لزوماً با ارتباط و مراوده اقتصادی منافات ندارد. تکیه بردیگران به معنای پذیرش ورود بیگانگان در امور جامعه اسلامی است. تجارب اقتصادی بشری به خصوص در دو قرن اخیر نشان داده که کمک‌های بیگانگان جز با هدف دخالت در امور اقتصادی کشورها نبوده است.(محبوب‌الحق۱۹۷۸) قدرت اقتصادی به گفته آدام اسمیت، ثروت ملل است که در ادبیات اقتصادی و اقتصاد بازار، همانGNP یا تولید ناخالص ملی کشورهاست. امروز دیگر، عصر سلطه طلا سپری‌شده و عصر تولید ملی فرا رسیده است. در هزاره سوم پس از میلاد، کشوری ضعیف‌تر است که از سطح تولید پایین‌تری برخوردار باشد(همان ۸۸)." در شرایط کنونی استقلال و کسب اقتدار اقتصادی، قدرت چانه‌زنی تمدن اسلامی را در رویارویی با تمدن سیطره طلب غرب، افزایش می‌دهد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

تقدم آبادانی و آسایش مردم بر افزایش درامدهای مالیاتی در تمدن نوین اسلامی

یکی از تفاوت‌های بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی نسبت به بخش عمومی در تمدن غرب، چگونگی کسب درآمدهای بخش عمومی است. چون براساس آموزه‌های اسلامی، آسایش مردم و آبادانی و رشد اقتصادی جامعه تمدنی، مقدم برکسب درآمد مالیاتی برای بیت‌المال و بودجه عمومی کشور می‌باشد. برای نمونه "در نگاه علی بن ابی‌طالب(ع) فلسفه وجودی دولت، خدمت به مردم و دفاع از حقوق مستضعفان است و بیت‌المال نیز فلسفه‌ای جز این ندارد؛ از این رو هرگاه بین سیاست افزایش درآمد بیت‌المال و سیاست بهبود زندگی مردم، تزاحمی پیش آید، اولویت با بهبود زندگی مردم است. به اعتقاد وی، آبادانی بر قدرت تحمل مردم می‌افزاید؛(ر.ک: نهج‌البلاغه، نامه۵۳، بند۸۵) ولی اگر دولت بخواهد همین هدف را نیز تأمین کند، باید در سال‌های رکود، به مردم تخفیف دهد؛ چرا که سنگینی بار مالیات، موجب از بین رفتن انگیزه کسب و کار، و عقب‌ماندگی اقتصاد جامعه در دوره‌های بعدی خواهد شد(ر.ک: همان، بند۶). نتیجه آن‌که، یکی‌دیگر از مؤلفه‌های بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی، حمایت از فرآیند رشد اقتصادی از طریق ایجاد و گسترش زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و نهادی تمدن نوین اسلامی است که مبتنی برالگوهای بومی و هنجارهای فرهنگ اسلامی باشد و نقش مکمل برای بخش‌خصوصی را ایفا نماید.

۳،۲. فراهم آوردن زیرساخت‌ها، نهادها و زمینه‌های تمدنی تحقق سنت‌های الهی در جامعه اسلامی

این مولفه یکی از ویژگی‌های متمایزکننده بخش‌عمومی اسلام از بخش‌عمومی متعارف است چون براساس پذیرش نظریه نظام احسن در آفرینش هستی، بخش عمومی باید در راستای تحقق سنت‌های اقتصادی و اجتماعی خداوند حرکت کند یعنی در راهبردهای مدیریتی و سیاستی کلان خود، به روابط علت و معلولی یعنی سنت‌های الهی توجه جدی داشته باشد. برای مثال وقتی خداوند می‌فرماید: "تقوا موجب گشایش نعمت و برکات بیشتر خداوند روی زمین می‌شود و معصیت نتیجه عکس دارد"، به این سنت تخلف ناپذیر الهی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه بعنوان یک اصل اساسی، توجه نماید و همین‌طور صرفه‌جویی در هزینه‌ها و عدم اسراف و تبذیر و عدم خیانت به بودجه عمومی و فساد مالی و اداری که چارچوب نظری، دینی آن‌ها در آموزه‌های تمدنی اسلام تبیین شده است. در فرهنگ اسلامی، عاقبت تاریخ و تمدن بشری به شکل جهانی از آن مستضعفان است که در مسیر بندگی و انجام دهنده عمل‌صالح در سطح خرد و کلان جامعه باشند. با پذیرش این سنت قرآنی، ایمان آورندگان به خدا و پیامبران او در بین جامعه بشری، مسئولیت اصلاح جامعه و آماده‌سازی فکری، فرهنگی و اقتصادی تحقق سنت‌الهی را بر روی زمین دارند و بدیهی است که تا پیشنیازها و زیرساخت‌های نهادی، اجتماعی و اخلاقی لازم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

برای گسترش تمدن جهانی اسلامی در زمین فراهم نباشد، این وعده با تأخیر طولانی‌تری تحقق می‌یابد و خداوند اراده کرده است تا از راه‌های عادی و بشری، وعده‌های خود را برروی زمین تحقق بخشد تا سنت آزمون بندگانش به طور فراگیر جاری شود.

ضرورت وجود رویکرد اجتماعی در حوزه اندیشه ورزی تمدنی اسلام

قرآن به عنوان کتاب هدایت جامعه بشری، آنجا که به حیثیت جمعی و اجتماع انسان‌ها مربوط باشد، خطاب را به جای فرد، به سوی "جمع" و "جامعه" بیان نموده است. این الگو و اسلوب زبانی و خطابی قرآن برای ما راهنمای خوبی است تا در ساحت تمدنی اسلام، خطاب‌های جمعی را جایگزین خطاب فردی، تکلیف و وظیفه فردی بنماییم. قرآن مبداء تغییر و تحول را جامعه انسانی آن هم از درون و انفس آن‌ها می‌داند و می‌فرماید :"ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا بانفسهم "(رعد/۱۱)خطاب قرآن به جای "انسان" "انسانها " یا "قوم" است یعنی تغییر رفتار و نهادهای اجتماعی، دگرگونی ایجاد می‌کند. از منظر قرآن، تمدن به عنوان یک حالت خاص از تحول اجتماعی که با رفتار، منش و هنجارها و عملکردهای پایداری همراه است، یک‌نظم خشک و ناسازگار و دستوری نیست بلکه حرکتی از جوهر درون جامعه‌ات که با خواست درونی آن‌ها همراه باشد. حال‌که قرآن و آموزه‌های دینی، تحول اجتماعی را حرکتی از درون جامعه می‌خواهد که با آگاهی و انتخاب و عزم و اختیار درونی همراه است پس نظام اجتماعی و بخش‌عمومی نیز باید با این جوشش و اختیار درونی انسان‌های مسلمان، سازگار باشد. یعنی مؤلفه‌های اقتصاد بخش عمومی که "جامعه اسلامی" باشد ضرورتا باید برخاسته از آموزه‌های اسلامی و الگوهای عملی آن باشد. و در این رهگذر توجه به نقش سنت‌های الهی در تکوین تمدن نوین اسلامی باید مورد نظر برنامه ریزان بخش عمومی در جامعه اسلامی باشد.

همسویی بخش‌عمومی با سنت‌های الهی

سنت اجتماعی به رابطه پایدار بین پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی جوامع اشاره دارد. سنت‌های الهی، تعبیر دیگری از قوانین اجتماعی می‌باشند که برای مؤمنان و غیرمؤمنان است(ر.ک: هیشور، سنن القرآن فی قیام الحضاره و سقوط‌ها۱۴۱۷). سنت‌های قرآن که به بیان روابط علت و معلولی و سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی حاکم بر جامعه بشری می‌پردازد، علل رشد و تعالی و سقوط تمدن‌ها را تبیین کرده است. مانند«و اذا اردنا ان تُهلِک قریه امرنا مترفیها ففسقوا فیها علیها القول فدمرناها تدمیرا»(سوره اسراء/۱۶)که می‌توان سنت « تدمیر» نامید. و در این بیان قرآنی، تدمیر و نابودی کامل تمدن و بنیان‌های جامعه معلول زندگی اشرافی، رفتار و کردارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

و اخلاقی است که ناشی از عدم درک و عمل نکردن به اصول و ارزش های اسلامی در قرائتی درست و معتبر است. در برخی آیات، فراموشی نسبت به سنت‌های الهی، محور نظر و تدبر معرفی شده است. (آل‌عمران۱۳۷) در برخی دیگر به دوران رشد و شکوفایی و رکود و شکست تمدن‌ها در قرآن دعوت شده است(ابراهیم۵) در موارد پرشماری تجربه تاریخی و عبرت‌آموزی از رویدادهای تمدنی در پهنه تاریخ مورد تاکید قرار گرفته است. (فاطر۴۴، یوسف۱۱۱، احزاب۶۲) برای نمونه خداوند در ان‌الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا بانفسهم"(رعد/۱۱) به تبیین رابطه سنت الهی تقدیر و اراده و اختیار انسان‌ها پرداخته و می‌فرماید: پس از اراده و خواست جامعه انسانی، قضای حتمی الهی، اتفاق می‌افتد. پس رشد اقتصادی به عنوان نتیجه اصلی اقتصادی تمدن نوین اسلامی، با اراده انسان‌ها رقم می‌خورد.

ضرورت نهادسازی در تمدن نوین اسلامی براساس ارزش‌های اسلامی

تاکنون دانشیان مسلمان پرشماری در زمینه تمدن اسلامی سخن گفته و کتاب‌ها و مقاله‌هایی نگاشته‌اند اما اغلب برکلیات تکیه نموده و کمتر به نمای واقعی و بخشی تمدن اسلامی پرداخته‌اند. ابن‌خلدون(۱۳۳۲-۱۴۰۶م) سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، کواکبی، اقبال لاهوری، سعید نورسی ترکیه‌ای، طه جابر العلوانی عراقی (متولد۱۹۳۵ میلادی) ضیاءالدین سردار(متولد۱۹۵۱) پاکستانی، مالک بن نبی‌الجزایری(۱۹۷۳-۱۹۰۵) سید محمد نقیب العطاس مالزیایی، حسن حنفی مصری (متولد ۱۹۳۵)، علامه طباطبایی نقش بسزایی در تبیین خطوط کلی تمدن اسلامی داشته‌اند اما فقدان الگوهای خرد و کلان تمدنی اسلام در زندگی امروز ملت‌های مسلمان کاملا محسوس می‌باشد که این‌همه تاکیدی جدی برضرورت مدل‌سازی تمدنی به طور بخشی و معین (نه کلی) دارد. امروز در رویارویی تمدن اسلامی با تمدن غربی، نیازمند تعریف واقعی‌تر و بخشی تمدن نوین اسلامی می‌باشیم تا نقش و سهم هر بخش در منظومه تمدنی اسلام بازشناسی و بازنگری گردد. سهم و نقش و مسئولیت حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، بازار کار، بازار کالاها و خدمات، بخش سلامت و درمان، معماری، مسکن، شهرسازی و.. به خوبی و کارشناسانه ترسیم شود تا تمدن نوین اسلامی در پازل کامل خود نمایان شود. یکی از الزامات اندیشه تمدنی برمدار ارزش‌های اسلامی و حتی فقه و اصول اسلامی، رویکرد اجتماعی در عرصه اندیشه‌ورز و نظریه‌پردازی است. به طوری که تحولات اجتماعی و دگرگونی‌های تمدنی در پرتو اندیشه‌های اجتماعی و جامعه محور رخ داده است. ابن‌خلدون، پیشاهنگ جامعه‌شناسی در قرن چهارده میلادی به نگاه فردی اکتفا نکرد و در هر مبحثی اعم از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، اقتصاد و...که وارد می‌شد به جامعه و آثار اجتماعی این شاخه‌های علمی توجه ویژه‌ای داشت لذا به اذغان دیگران،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

توجه ایشان به عوامل اقتصادی، محیط‌زیستی و جامعه‌شناسی موجب گسترش و پیشرفت تمدن انسانی گردید.

۳،۲.تحقق راهبری مطلوب اسلام در بستر تمدنی اسلام

بخش عمومی به مفهوم گسترده اسلامی، نماینده و جلوه‌ای از ولایت الهی و رسولان او و جانشینان معصوم و راهبران دینی و در عصر غیبت امام معصوم (ع)، ولایت فقیه می‌باشد که حاکمیت و راهبری مطلوب اسلام را در بستر تمدنی اسلام متبلور می‌کند. راهبری مطلوب، ریشه در باورهای قلبی دینی کارگزاران حکومت و مسئولان بخش عمومی و آحاد مردم مسلمان دارد که نفوذ و قلمرو آن را فراتر از راهبری خوب[1] در تمدن غربی موجود می‌کند چرا که ویژگی‌های آن ریشه در فرهنگ و حیانی دارد که گزاره‌های آن درباره پاسخگویی در برابر خدا و مردم، وظیفه‌گرایی در انجام امور، شفافیت تقوا محور و اعتماد و راستگویی، بعضا فرا تجربه‌ای است و ریشه و حیانی دارد که دائم الصدق می‌باشد. راهبری مطلوب اسلام می‌تواند موجب شفافیت و بالابردن انگیزه افراد برای تلاش بیشتر و ظهور نوآوری و سرمایه‌گذاری برای گسترش و ارتقای تمدن نوین اسلامی در عرصه‌های گوناگون باشد. پاسخگویی شامل اعطا کردن و درخواست حساب از دلیل انجام عمل یا رفتار می‌باشد. بحران مالی اخیر، نقش حاکمیت و سیاست‌های بودجه‌ای را در پاسخگویی سازمان‌های بخش‌خصوصی و عمومی نمایان کرده است. حکمرانی مطلوب اسلام نقش اساسی را در رشد اقتصادی و پیشرفت تمدن اسلامی داشته است نقشی که پس از قرن‌ها در مطالعات تجربی کشورهای پیشرفته به اثبات رسیده است. چون"بیش از یک‌دهه بررسی‌های مفصل و کمی کافمن و همکاران وی در بانک جهانی نشان می‌دهد یک انحراف معیار بهبود در وضعیت حکمرانی در بلندمدت منجر به ۲۰۰ درصد افزایش درآمدسرانه یا سه برابر شدن درآمد سرانه می‌شود به طوری که مثلا کشوری با درآمد سرانه ۳۰۰۰ دلاری را به سطح درآمد ۹۰۰۰ دلاری می‌رساند. البته این بهبود حکمرانی به سادگی صورت نگرفته و معمولا زمان براست اما بدیهی است که منافع بسیار زیادی به همراه دارد. پژوهشگران در مطالعات جدیدتر خود، علاقه‌مند به تعیین وزن و تأثیر جنبه‌های مختلف حکمرانی خوب بررشد اقتصادی هستند(خیرخواهان ،۱۳۸۸:۴).

اتحاد و انسجام جامعه اسلامی علت بقای تمدن اسلامی

امام علی(ع) در خطبه معروف قاصعه درباره یکی‌دیگر از سنت‌های الهی در عرصه علل پیروزی و شکست تمدن‌ها می‌فرماید: "از کیفرهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امّت‌های پیشین فرود آمد خود را حفظ کنید، و حالات گذشتگان را در خوبی‌ها و سختی‌ها به یاد آورید، و بترسید

1.Good Governance

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

که همانند آن‌ها باشید! پس آن‌گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزّت آنان بود، و دشمنان را از سرراهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد، و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیّت به آنان بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند، و بر وحدت و همدلی همّت گماشتند، و یکدیگر را به وحدت واداشته به آن سفارش کردند. از کارهایی که پشت آن‌ها را شکست، و قدرت آن‌ها را درهم کوبید"(نهج‌البلاغهٔ/ ترجمه دشتی، ص ۳۹۵). امام (ع) مواظبت از سرمایه اجتماعی و دینی را به عنوان عامل اتحاد مردم و حمایت‌کننده برنامه‌های بخش‌عمومی در این نامه که با رویکردی اخلاقی و اجتماعی بیان شده با صراحت یاد فرموده است. در شرایط وجود تهدیدات و شوک‌های اقتصادی داخلی و بیرونی و رویایی تمدنی، بکارگیری راهبردهای حکمرانی مطلوب در زمینه شفافیت می‌تواند از طریق آثار زیر، روند و میزان مشارکت مردم و ایستادگی آنان در برابر مشکلات و تاب‌آوری آن‌ها را در فرایند تمدن نوین اسلامی افزایش دهد:

۱. شفافیت در بخش عمومی به مردم کمک می‌کند تا با پیش‌بینی درست از روند متغیرهای اقتصادی با آرامش و انگیزه بیشتر وارد تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شوند و در رشد اقتصادی مشارکت بالاتری داشته باشند.
۲. شفافیت به آگاهی و درک بیشتر مردم از چالش‌ها می‌انجامد که زمینه اعتماد به بخش عمومی و مشارکت و حتی ابراز راه حل‌ها و بروز نوآوری‌ها را فراهم می‌کند.
۳. شفافیت، زمینه و شرایط وقوع فساد را کاهش می‌دهد.
۴. شفافیت در ارایه گزارش‌های اقتصادی بخش عمومی، مانع استفاده رانتی بر شرکت‌های خاص می‌شود.
۵. شفافیت زمینه نظارت برعملکردها و نقد سیاست‌ها و ارزیابی نقاط ضعف و قوت بخش عمومی را فراهم می‌کند.

نقش نظارت کارشناسانه و منصفانه در پاسخگو بودن بخش عمومی وجلب مشارکت مردم

نظارت وقتی کارساز است که قبل از آن با تعریف و ارایه نهادها و قوانین و ساختار شفاف و کارآمد، وظایف و مسئولیت‌ها برای تمام افراد مشخص شده باشد. در این راستا در برخی کشورهای اسلامی، در چارچوب نظریه ساختارسازی از انگیزه‌های عبادی و باورهای قلبی برای پاسخگویی کمک گرفته‌اند: مفهوم پاسخگویی امروزه در موارد زیادی از جمله مدیران و افراد یا کارگزاران بخش عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته براساس ارزش‌های کاپیتالیستی و فردگرایی که زمینه برای فساد بخصوص در کشورهای در حال توسعه را فراهم می‌سازد. آن‌ها تئوری ساختارسازی را با هدف ساختارسازی عبادت در بین کارگزاران بخش‌عمومی، تغییر داده آن‌گاه براساس پارادایم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

اسلامی، مقوله پاسخگویی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این راستا نقش مهم نهادها را در پاسخگو کردن بخش عمومی نباید نادیده گرفت نتیجه این پاسخگویی، افزایش سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی است. نتایج یک بررسی تجربی ۸۰ کشور در دوره ۲۰۱۰-۱۹۷۰ نشان داد که هرگاه نهادها دولت‌مردان را در پاسخگویی در برابر شهروندان واداشته، سرمایه عمومی هزینه شده دولت، رشد اقتصادی را افزایش داده است (موروزومی و ویگا۲۰۱۶:۶۷) عدم شفافیت در بیان چگونگی اجرای طرح آزاد راه تهران، شمال و برخی طرح‌های آبرسانی در سال‌های اخیر که عمر برخی از این طرح‌های مشارکتی به بیش از یک‌دهه می‌رسد نمونه‌هایی آشکار در ایران می‌باشند.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی- تحلیلی، با هدف واکاوی مولفه‌های اقتصاد بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی درصدد یافتن پاسخ علمی و منطقی برای پرسش‌های زیر برامد اول: مولفه‌های بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی و رشد و تعالی آن کدامند؟دوم: اقتصاد بخش‌عمومی چگونه و ازچه راه‌هایی در تشکیل و بالندگی تمدن نوین اسلامی نقش و مسئولیت خود را ایفا می‌کند؟ نتایج زیر بدست آمد:

- اهدافی همچون تحقق عدالت اقتصادی، رشد و رونق اقتصادی، حاکمیت قانون و نهادینه شدن ارزش‌ها و اخلاق اسلامی در جامعه و راستگویی و پاسخگو بودن و شفافیت بخش‌عمومی مؤلفه عملکردی بخش عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی می‌باشند.
- بخش‌عمومی سازگار با تمدن نوین اسلامی دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاصی است که آن را از سایر تمدن‌های شرقی و غربی متمایز می‌کند حتی اگر با ویژگی‌های مشابه در آن تمدن‌ها اشتراک واژگانی داشته باشد چون ماهیت و روح تمدنی خاص خود را دارد.
- راهبری مطلوب، ریشه در باورهای قلبی دینی کارگزاران حکومت و مسئولان بخش عمومی و آحاد مردم مسلمان دارد که نفوذ و قلمرو آن را فراتر از راهبری خوب در تمدن غربی موجود می‌کنند.
- نظارت وقتی کارساز است که قبل از آن با تعریف و ارایه نهادها و قوانین و ساختار شفاف و کارآمد، وظایف و مسئولیت‌ها برای تمام افراد مشخص شده باشد. در این راستا در برخی کشورهای اسلامی، در چارچوب نظریه ساختارسازی از انگیزه‌های عبادی و باورهای قلبی برای پاسخگویی کمک گرفته‌اند.
- مؤلفه متمایزکننده تمدن نوین اسلامی، حکمرانی مطلوب در برابر حکمرانی خوب تمدن غربی است که مبانی آن باورهای قلبی و آخرت‌گرایی وظیفه محور کارگزاران بخش‌عمومی اسلامی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

است و اعتماد، راستگویی، شفافیت و پاسخگویی در برابر خدا و مـردم از متغیرهـای اصـلی آن می‌باشند.

منابع

قرآن‌کریم

۱. بابایی، حبیب الله،"پیوستگی در تمدن اسلامی (بررسی نظریه مارشـال هاجسـن)" نقـد و نظـر، فصلنامه علمی- پژوهشی فلسفه و الاهیات سال۱۹ ش۲ صص۳۳- ۵۹ قـم، پژوهشـگاه علـوم و فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ۱۳۹۳

۲. جعفری، محمدتقی،"فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو"، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی۱۳۷۳

۳. جلالی، محمد و اژئر، زهرا "پاسخگویی دولت: جایگاه، ارکان و پیش‌شرط‌ها" پژوهش‌های حقوق تطبیقی دوره۲۰ شماره۱ صص۴۳-۲۱ تهران دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۹۵

۴. جوادی آملی، عبدالله، "انتظار بشر از دین"، تنظیم محمدرضا مصطفی پور، قم مرکز نشر اسـراء، چاپ دوم۱۳۸۲

۵. حسینی، سیدرضا، "سیره اقتصـادی امـام علـی(ع)"، دانشـنامه امـام علـی(ع) ج هفـتم، صـص ۲۳۵- ۳۱۵چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی۱۳۸۰

۶. خادم علیزاده، امیر"تفسیر موضوعی قرآن‌کریم با رویکرد اقتصادی" قم، دفتر نشر معارف، چـاپ اول۱۳۹۲

۷. خانی، ابراهیم، همایون، محمدهادی،"تبیین حقیقـت تمـدن براسـاس مبـانی فلسـفه و عرفـان اسلامی"، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطـات: سـال ۲۰ش پـاییز و زمسـتان صـص ۱۶۱- ۱۸۵تهران، دانشگاه امام صادق(ع) ۱۳۹۲

۸. خیرخواهان، جعفر"رابطه نوآوری نهادی با ظهور و افول تمدن اسلامی: یک ارزیـابی مقـدماتی"، جامعه و اقتصاد، سال ششم شماره ۲۲-۲۱، ۱۳۸۸صص۱۱- ۳۵، تهران، موسسه مطالعات دیـن و اقتصاد، ۱۳۸۸

۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج‌البلاغه قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرمومنان (ع)۱۳۸۱

۱۰. زمانی محجوب، حبیب،"نوسازی تمدن اسلامی" نشـریه تـاریخ در آینـه پـژوهش سـال هشـت شماره اول بهار۱۳۹۰ صص۱۱۷-۱۳۵ قم، موسسه آموزشی- پژوهشی امام‌خمینی(ره) ۱۳۹۰

۱۱. سعیدی روشن، محمدباقر"شاخص‌های تمدن اسلامی براساس آموزه‌هـای قـرآن‌کـریم" نشـریه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۹، صص۶۱-۸۳ مشهد دانشگاه علوم انسانی‌رضوی، ۱۳۹۳

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱۲.سلیمان‌پور، علی و اکبری، امیر،"بررسی نظام تمدن‌سازی اسلامی در قرآن‌کریم (با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان)" نشریه مشکوه شماره ۱۲پاییز ۱۳۹۴صص ۱۱-۳۰ مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس‌رضوی۱۳۹۴
۱۳.الصدر، السید محمدباقر، اقتصادن، مکتب الاعلام الاسلامی قم، مرکزالنشر، الطبعه الاولی ۱۴۱۷ق
۱۴.غرایاق زندی، داوود، "نسبت عدالت اجتماعی و امنیت ملی: چارچوب نظری"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره۶۱ پاییز ۹۲ صص۷-۳۲ تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی۱۳۹۲
۱۵.لوکاس"تاریخ تمدن"، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۹
۱۶.مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی،"بحارالانوار"، بیروت داراحیاءالتراث العربی،۱۴۰۳ق
۱۷.محبوب الحق، "ستار الفقر"، ترجمه احمد فواد بلبع، القاهره، الهیئة العامة الکتاب، ۱۹۷۸
۱۸.محمدی الری الشهری، "میزان الحکمه"، قم مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعه الاولی.۱۳۶۲
۱۹.مطهری، مرتضی، "فلسفه تاریخ"ج۲، قم، صدرا ۱۳۷۷
۲۰.نوروزی فیروز، رسول"در جستجوی مدرنیته اسلامی" نقد و نظر، فصلنامه علمی- پژوهشی فلسفه و الهیات سال۱۹ش۲ تابستان ۹۳صص۵۹-۸۸ قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)۱۳۹۳
۲۱.واسعی، سید علی"فلسفه تمدن نوین اسلامی؛ ماهیت و مبانی"، نشریه مشکوه شماره ۱۲۸ پاییز ۱۳۹۴صص۸۳-۱۰۰ مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس‌رضوی ۱۳۹۴
۲۲.ویل دورانت،"تاریخ تمدن"، ترجمه احمد بطحایی و همکاران، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵
۲۳.هیشور، محمد،" سنن القرآن فی قیام الحضاره و سقوطها"، القاهره: المعهد العالمی للفکر الاسلامی ۱۴۱۷ق

1. Amartya Kumar Sen "Our Global Civilization Procedia Social and Behavioral Sciences, 2010
2. Atsuyoshi Morozumia,n, Francisco José Veiga European Economic Review,(2016)
3. Basma Ahmad Sedki Dajani" The Ideal Education in Ibn Khaldun's Muqaddimah ,"Social and Behavioral Sciences 192 308 – 312)(2015)
4. Dario, Castiglione, "Accountability", *in* Bevir, Mark (ed), *Encyclopedia of Governance*, Volume I, SAGE publication, California, 2007.
5. Gilboa, Itzhak, Andrew Postlewaite, Larry Samuelson, and David Schmeidler. "Economic Models as Analogies. " *The Economic Journal,* forthcoming. (2013)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

6. partnerships J in Wu, Junxiao Liu, Xiaohua Jin, Michael C.P. Sing "Government accountability within infrastructure public–private" International Journal of Project Management 34 1471–1478 (2016)
7. Iqbāl, Muzaffar, "Science and Islam", London: Greenwood Publishing(2007)
8. Izziah Suryani,Ermy Azziaty Rozali & Azmul Fahimi Kamaruzzaman" "The importance of learning islamic history and civilization of Malaysia in the building of human capital and identity of the muslim society in Malaysia " Social and Behavioral Sciences 59 550 – 557(2012)
9. Jean Claude Mutiganda "Budgetary governance and accountability in public sectororganisations: An institutional and critical realism approach" (2013)
10. Johann P. Arnason and Georg Stauth "(CIVILIZATION AND STATE FORMATION IN THE ISLAMICCONTEXT: RE-READING IBN KHALDUN("Thesis Eleven (Number ۷۶)2004
11. Lawrence A.Boland "The Methodology of Economic Model Building Methodology after Samuelson" London and NewYork1989
12. Majali, Abdel Salam "Ethical decision-making: "Towards Solidarity within a Global Civilization". Amman, Jordan: *Islamic World Academy of Sciences*. (2014)
13. Nailya A khtyamova Mikhail Panasyuk, Rustam Azitov *Kazan (Volga* Region)"The Distinctive Features of Teaching of Islamic Economics:Philosophy, Principles and Practice"Social and behavioral sciences 191 2334-2338,2015
14. Nasr, Seyyed hossein "Civilizational Dialogue and the Islamic World" in : Al-Idrus Mohamed Ajmal bin Abdul Razak (ed.), Islam Hadhari: Bridging Tradition and Modernity, Kuala Lumpur: International Institute of Islamic Thought and Civilization (2009),
15. Nasr,Seyyed Hossein Giorgio De Santillana "Science and civilization in Islam" Harvard University Press. 1968
16. Oxford Advance Learner's Dictionary, edition 8.
17. Said Nursi Turner Colin and Horkuc Hasan: "Makers of Islamic Civilization", oxford: oxford university press2008
18. Timur Kuran ,"Explaining the economic trajectories of civilizations":The systemic approach Journal of Economic Behavior & Organization 2009

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]